فهرست مطالب

[احتمال تأثیر و عدم تأثیر معکوس در اقدامات تربیتی 2](#_Toc496787499)

[اثرات مختلف در اقدامات تربیتی 2](#_Toc496787500)

[تفاوت افراد و موقعیت‌های اجتماعی در اقدامات تربیتی 3](#_Toc496787501)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تأثیر در تربیت**

# احتمال تأثیر و عدم تأثیر معکوس در اقدامات تربیتی

دو مقام بحث شد:

1 – مقام اول این بود که اقداماتی از قبیل امربه‌معروف و نهی از منکر و سایر اقدامات تربیتی و تعلیمی، مشروط به احتمال تأثیر عقلائیه است، درصورتی‌که اطمینان یا یقین دارد که تأثیر ندارد، وظیفه‌ای ندارد.

2 – مقام دوم این بود که اقدامات تربیتی، مشروط به این است که تأثیر معکوس و سلبی در مخاطب نگذارد، چنانچه تأثیر معکوس و سلبی بگذارد، بعضی‌اوقات حتی امربه‌معروف و نهی از منکر حرام است.

در مقام اول وقتی احتمال تأثیر نبود، وجوب یا استحباب عمل تربیتی، زایل می‌شود و بقیه حالت اباحه پیدا می‌کرد، اما در مقام دوم، نه‌تنها وجوب و تکلیف زایل می‌شد و از بین می‌رفت، بلکه حرمت جایگزین می‌شد، حداقل در بعضی از مواردش، حرمت عارض می‌شود.

# اثرات مختلف در اقدامات تربیتی

در ذیل مقام دوم، بحث تزاحم هم مطرح شد که گاهی یک اقدام تربیتی برای بعضی جواب مثبت و بعضی دیگر جواب منفی می‌دهد، به‌عبارت‌دیگر، اقدامات تربیتی در رابطه با دیگران انجام می‌گیرد، سه نوع اثر می‌تواند بر آن مترتب باشد:

1 – اثر ایجابی مثبت،

2 – عدم اثر مثبت یا منفی،

3 – بازخورد منفی و نتیجه معکوس.

اینکه اقدام تربیتی نباید جواب معکوس بدهد، اگر جواب منفی و معکوس بدهد، بعضی‌اوقات ممکن است این اقدام حکم حرمت هم پیدا بکند، اینکه در مقام اول بیان شد که باید احتمال تأثیر داده شود و اگر اطمینان به عدم تأثیر وجود دارد، تکلیفی نیست، این مطلب با یک مسئله‌ای که به‌عنوان اتمام‌حجت و قطع عذر و امثالهم گفته می‌شود و انواع شواهد هم برایش وجود دارد، یک نوع توهم ناسازگاری و تعارض میان بحث‌های شما و آن مسئله است، یعنی جایی که کاری از ناحیه پیامبر و اولیاء الهی انجام می‌شود که نتیجه عکس می‌دهد، اما درعین‌حال انجام می‌پذیرد، «**وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا**»،[[1]](#footnote-1) حضرت نوح سال‌ها تبلیغ کرد و فرمودند: **«فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا**»،[[2]](#footnote-2) یعنی هر چه تبلیغ کردم، آن مردم بیشتر گریزان شدند و نتیجه عکس داد.

امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا اتمام‌حجت و قطع عذر کردند، درحالی‌که معلوم بود که اثری برای آن‌ها ندارد، گاهی همان مطلب امام، موجب قساوت بیشتر آن‌ها می‌شد.

پس اقدامات امرونهی و هدایت و تبلیغ و امثالهم انجام می‌پذیرد، در یک شعاعی آثار معکوسی می‌گذارد و انسان‌هایی را به آن سمت باطل می‌برد.

# تفاوت افراد و موقعیت‌های اجتماعی در اقدامات تربیتی

در اینجا گرچه جای مداقه‌ها و بحث‌های بیشتری هست، اما مقایسه این بحث با بحث‌های قبلی، چند نکته کلیدی دارد که باید توجه بشود:

1 – نکته اول این است که تفاوتی میان موقعیت‌های فردی و اجتماعی کلان، باید قائل شد، یک‌زمان است که فردی تبلیغ یا دعوت یا ارشاد موردی و فردی می‌کند و گاهی هم تبلیغ و تربیت یک مقوله اجتماعی کلان است، باید میان این دو تفکیک قائل شد.

در تربیت‌های فرد و انفرادی، باید احتمال تأثیر برای مخاطب داده شود، همچنین باید این اطمینان وجود داشته باشد که تأثیر معکوس نمی‌گذارد.

اما اقدام تبلیغی و تربیتی در سطح وسیع اجتماعی و در ابعاد کلان با بحث قبلی متفاوت است، در اینجا چیزی که شرط است این است که فی‌الجمله این اقدام اثرگذار باشد، اثر مقابل در اینجا ملحوظ نیست، برای اینکه در هدایت کل بشریت، اگر ملاحظه ریزش بشود، اصلاً نباید انجام بشود و این خلاف فلسفه خلقت است.

2 – از یک منظر دیگر قائل به تفاوت بشویم و بین آنچه گذشته را با بحث‌های جدید تمایز ایجاد کنیم، از منظر افرادی که می‌خواهند قیام به این وظایف بکنند، در اینجا افراد برجسته و ممتاز، یعنی انبیاء، اولیاء، عالمان بزرگ هستند و گروه دیگر مکلفان عادی هستند.

در محدوده اول که رسالتی پایه‌ریزی می‌شود، خط اساسی را رهبر الهی می‌خواهد پایه‌ریزی بکند، این در قواعد قبلی گنجانده نمی‌شود که گفته شود باید احتمال تأثیر داده بشود و تأثیر معکوس نداشته باشد، بلکه تأثیر فی جمله احتمالی کفایت می‌کند که اصل دین طرح بشود.

کسانی که قیام به تکالیف می‌کنند، متفاوت هستند، در سطوح هدایتگری کلان و رهبری و رسالت و امامت و امثالهم، باید حتماً طرح مسئله بشود، ولو اینکه در خیلی‌ها اثر معکوس بگذارد.

3 – اینکه تفاوت قائل بشویم میان مراحل آگاهی بخشی اولی و تعلیم و اعلام و آشنایی با معارف، با مراحل بعدی که امرونهی و وعظ و امثالهم است، یعنی در مراحل تکمیلی، مباحث قبلی بر آن حاکم است، یعنی اقداماتی که انجام می‌دهد، باید احتمال اثر و عدم تأثیر معکوس را بدهد، اما در مرحله اولیه که فرد مخاطب درک از این مسائل داشته باشد، اینکه به طور مثال دین را بشناسد، مباحث قبلی جاری نیست، بلکه باید حتماً بر جامعه عرضه بشود، ابلاغ و تبلیغ برای آشنایی دین، همان اتمام‌حجت است، این آشنایی در جایی است که مخاطب این مطلب و موضوع را نمی‌داند و باید آگاه بشود و در جهل نماند.

«**رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا**»،[[3]](#footnote-3) بعد از آگاهی و مرحله بعد، مباحث قبل جاری می‌شود و باید احتمال تأثیر و عدم تأثیر معکوس لحاظ بشود.

4 – تفاوت قائل بشویم میان شرایطی که آن مخاطب و طرف تبلیغ و هدایت دارد، گاهی شرایطی است که این فرد در معرض هلاکت قطعی است، گاهی هم یک اقدامی را انجام می‌دهد که در آن حد نیست و بعد توبه می‌کند.

مباحثی که گفته شد، برای مبحث دوم است، اینکه افراد به صورت طبیعی زندگی می‌کنند و گاهی خطایی می‌کنند و بعد توبه می‌کنند، اما اتمام‌حجت برای جایی است که افراد روبروی یکدیگر قرار گرفتند و آماده جنگ با یکدیگر شدند، موقعیت‌های خطیر مباحث قبلی، احتمال تأثیر و امثالهم اجرا نمی‌شود، بلکه مسئله اتمام‌حجت و قطع عذر و امثالهم هست.

5 – نوع محتواها و موضوعات فرق می‌کند، در موضوعات اساسی و بنیادی که اعتقاد به خدا و قیامت و مسائل کلیدی است، جای اتمام‌حجت و قطع عذر و امثالهم است، اما در بعضی مسائل عادی و متعارف، باید احتمال تأثیر و عدم تأثیر معکوس لحاظ بشود.

در تحلیل اخبار و آیات مربوط به اتمام‌حجت و قطع عذر، با آنچه احتمال تأثیر و عدم تأثیر معکوس بیان شد، می‌توان گفت که تفاوت دارد، در حقیقت هر یک از این‌ها با فرمول اصولی‌اش این‌گونه است که چیزی که قبلاً بیان شد، قاعده کلی است، اینکه عقل می‌گوید: اقدامی که برای ارشاد و تعلیم و هدایت و امثالهم انجام می‌شود، مشروط به دو چیز است:

1 – احتمال تأثیر

2 – عدم تأثیر معکوس

آیات و روایاتی که برای اتمام‌حجت و قطع عذر آمده، درواقع یک نوعی مقید آن است، در یک محدوده‌ای می‌گوید که ملاحظه مباحث احتمال تأثیر نمی‌شود، حتی اعمال قاعده تزاحم هم نمی‌شود.

پنج مورد مذکور، مانعة الجمع نیستند، نکته سوم که در مقام تبلیغ و ابلاغ است، نکته‌ای محوری است و با بقیه هم قابل‌جمع است، در مقامی که دیگران بفهمند و در جهل و غفلت نباشند، بایستی بیان بشود، ولو اینکه هیچ اثری در بعضی نگذارد، یا در بعضی تأثیر معکوس بگذارد.

در وسائل ذکرشده که فردی می‌خواهد، کسی را دعوت به امامت بکند، امام علیه‌السلام می‌فرمایند اگر راه پیشرفت دارد، بیان کند و دعوت کن، اما اگر اثرگذار نیست، بیان نکن و دعوت نکن، اما اصل دین، ولو احتمال تأثیر داده نمی‌شود و حتی اثر معکوس می‌گذارد، باید عرضه بشود.

1. - سوره مبارکه اسراء، آیه 82 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مبارکه نوح، آیه 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مبارکه نساء، آیه 165 [↑](#footnote-ref-3)